



پاکی دل بی حجاب‌ها!!

✽ چرا بعضی از محجبه‌ها گناه می‌کنند و اخلاقشان خوب نیست و حرمت حجاب را نگه نمی‌دارند؟ ولی بدحجاب‌ها علی‌رغم نداشتن حجاب اخلاقشان خوب و دلشان پاک است؟

همه افراد از جهت اینکه انسان بوده و از عقل و اندیشه بهره‌برخوردارند، یکسان هستند و در این حوزه نسبت به همدیگر برتری ندارند. چیزی که امتیاز و فرق را در میان افراد بشر به‌وجود می‌آورد درستی اعتقادات و کمالات عملی است.

عمل و رفتار هر شخصی بستگی به انسانیت و مقدار بهره‌گیری از عقل او دارد. به همین سبب انسان‌هایی در تاریخ بشر بوده‌اند که با بهره‌گیری بهتر از موازین و معیارهای عقلی و فطری خود، رفتار و عملکرد شایسته‌داشته‌اند هرچند به هیچ دینی پایبند نباشند!اما این مطلب عمومیت ندارد و فقط در برخی که مدعی عقل و فطرت سلیم انسانی بوده‌اند منحصر می‌شود و اختصاص به بی‌دین‌ها و بی‌خداها هم ندارد بلکه هر کسی می‌تواند چنین اطاعتی از عقل و فطرت خود داشته باشد، بنابراین خداپاواران و خداپاواران در این حوزه با هم تفاوتی ندارند.

دینداران و خداپاواران به خاطر دستورات دینی که در این باره دارند بهتر می‌توانند با کمک از عقل و دین، روش و رفتار مسالمت‌آمیز و صحیح داشته باشند؛ زیرا افراد بی‌دین و بی‌خدا به هیچ قید و محدودیت دینی مقید نیستند و در صورت کم‌رنگ شدن نیروی عقل و فطرت، انجام هر کاری برخلاف موازین انسانی و عقلی برای آنان جایز و آسان خواهد بود. بنابراین رفتار درست برخی از بی‌دینان از بی‌دینی و بی‌خدایی و عدم پذیرش دین ناشی نمی‌شود. یعنی این گونه نیست که چون بی‌خدا هستند و اعتقادی به خدا ندارند، از رفتار خوب برخوردارند تا نتیجه گرفته شود باید همه بی‌دین و بی‌خدا شوند تا رفتارها درست گردد؛ بلکه رفتار آنان از انسانیت و هدایتگر درونی که عبارت از عقل باشد نشأت می‌گیرد. بنابراین بی‌خدایی و بی‌دینی تنها نت در درستی رفتار و عمل هیچ نقشی ندارد بلکه به علت بی‌قیدی و عدم مبالات، آدمی را به سوی رفتارهای نادرست و غیرانسانی سوق می‌دهد و زمینه انحراف‌های عملی را برای بشر آماده می‌کند.

دینداران و خداپاواران به خاطر دستورات دینی که در این باره دارند بهتر می‌توانند با کمک از عقل و دین، روش و رفتار مسالمت‌آمیز و صحیح داشته باشند؛ زیرا افراد بی‌دین و بی‌خدا به هیچ قید و محدودیت دینی مقید نیستند و در صورت کم‌رنگ شدن نیروی عقل و فطرت، انجام هر کاری برخلاف موازین انسانی و عقلی برای آنان جایز و آسان خواهد بود.

حجاب داشتن و بی‌حجابی را نیز می‌توان با همین معیار ارزیابی کرد. اینکه با قاطعیت گفته شود برخی محجبه‌ها گناه مرتکب می‌شوند و بی‌حجاب‌ها دلشان پاک است، سخن غیرعملی است و نمی‌توان آن را ثابت کرد. بلکه با معیاری که بیان شد برخی بی‌حجاب‌ها که به دین و دستورات آن پایبند نیستند مانهی برای ارتکاب گناه ندارند و طبیعت قفیه‌اقتضا می‌کند میان آنان گناه بیشتر انجام بگیرد. اگر بی‌حجابی‌شان از مخالفت با دین ناشی شده باشد برای آنان اصلاً گناه معنایی ندارد تا گفته شود مرتکب گناه نمی‌شوند و دلشان پاک است. افزون بر آن پاکی دل چیزی نیست که قابل اثبات باشد و همچنین عاملی که دل را پاک می‌کند در آنان وجود ندارد؛ زیرا پاکی دل با عمل به دستورات دینی و رعایت موازین اخلاقی امکان‌پذیر است.

افزون بر اینها بی‌حجابی آنان اگر در اثر مخالفت با دین و دستورات اخلاقی باشد، گناهی است که پیوسته با خود دارند.

علت رفتار نادرست بعضی خداپاواران

برخی خداپاواران که شامل مسلمانان و یهودیان می‌شود، در رفتار و عملکرد خود مشکل دارند و رفتارهای غیرانسانی از آنها سر می‌زند؛ اما رفتار آنان به خاطر خداپاوری و دینداری نیست بلکه مانند بی‌دینانی که رفتار درست‌شانند، تسلیم هوی و هوس و خواست‌های غیرانسانی شده و از عقل و فطرت بهره نگرفته‌اند. چنین نیست که دین داشتن باعث رفتار نادرست آنها شده باشد. خصوصاً با توجه به اینکه دین اسلام بیشتر را به رفتار نیکو و عمل شایسته و دوری از رفتارهای نادرست و غیرانسانی دعوت می‌کند و حتی برای عملی شدن این دستورها مجازات دنیوی و اخروی قرار داده اما اینکه مسلمانان از نظر رفتار مشکل دارد، عمل نکردن او به این دستورات است؛ درست مانند مرضی که به نسخه دکتر حاذق عمل نکرده و یا طبق دستور پزشک دارو را مصرف نمی‌کند و در نتیجه شفای مطلوب را به دست نمی‌آورد. پس نسخهٔ پزشک نیست که ناتوان از شفای مرضی باشد بلکه خود مرضی در اثر استفاده نکردن و یا درست استفاده نکردن نسخه نخواسته شفا یابد. پس اسلام از هدایت و درست کردن رفتار انسان‌ها ناتوان نیست بلکه دستورات بسیار ارزشمندی برای اصلاح آدمی دارد و اینکه مسلمانی رفتار و کردار اجتماعی و اخلاقی‌اش نادرست است، خودش نخواسته از دستورات اخلاقی و رفتاری دین اسلام استفاده کرده و عملش را طبق آن هماهنگ سازد.

بنابراین ارتکاب گناه در میان عده‌ای از محجبه‌ها از حجاب و دینداری آنان ناشی نمی‌شود بلکه و هوس و خواسته‌های حیوانی که در هر کسی وجود دارد باعث ارتکاب گناه در آنان می‌شود. میان محجبه‌ها و چادری‌ها به دلیل رعایت حجاب و محدودیت ارتباط با نامحرمان به‌مراتب گناه کمتری وجود دارد. اما میان برخی بی‌حجاب‌ها که مانعی برای ارتباط آنان با نامحرمان وجود ندارد و به دستورات دینی هم اعتنایی ندارند، طبیعی است گناه فراگیر خواهد بود.

پوشش ارزش زن را بالا می‌برد

حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن، با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند از عهده زور بازی مرد برنمی‌آید و از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است. او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. در طبیعت، جنس نر گیرنده و دنبال‌کننده، آفریده شده است.

وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نطفه ضعف مرد را در برابر خود دانست، همان‌طور که متوسل به زبور و خودارایی و تجمل شد که زن از راه، قلب مرد را تصاحب کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه بایست آتش عشق و طلب او را نیزترت کند و درنتیجه مقام و موقع خود را بالا برد.

... به‌طورکلی رابطه ای است میان دست‌نارسی و فراق از یک طرف و شفق و سوز و گرانیهایی از طرف دیگر، همچنان‌که رابطه‌ای است میان عشق و سوز از یک طرف و میان هنر و زیبایی از طرف دیگر؛ هرچند عشق در زمینه فراق‌ها و دست‌نارسی‌ها می‌شکفتد و هنر و زیبایی در زمینه عشق رشد و نمو می‌یابد.

... یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک – که به قول آن مجله به حسب فن و شغل فیلمسازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد- نقل می‌کند:

«من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرتنریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را کم‌تر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری وادارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد».

استاد مله‌ری، مسئله حجاب، ص ۶۷–۶۲ | با تلخیص

هنگامی که واژه فقر را می‌شنویم نخستین مفهومی که به ذهن تبادر می‌کند، فقر مالی است که در برابر آن غنای مالی قرار می‌گیرد؛ اما با نگاهی به کاربردهای قرآنی و روایی، دامنه فقر خیلی گسترده‌تر از این مفهوم است ودر آن سخن از فقر ذاتی انسان است که شامل فقر شناختی، علمی، فرهنگی، قدرتی، جسمی و روحی و مانند آن می‌شود.

این بدان مناسبت‌ است که فقر بخشی از ماهیت انسانی را تشکیل می‌دهد؛ از این رو در حکمت متعالیه ملاصدرایی از فقر امکانی سخن به میان آمده است که البته اختصاص به انسان نداشته و همه ماسوی الله را دربر می‌گیرد و تنها راه رهایی از آن اتصال به خداوند غنی بالذات است تا از وجود و صفات کمالی الهی بهره‌مند شود. یکی از مراتب فقر، فقر مالی است که آثار زیانباری به‌دنبال دارد. از سبب حاضر مفهوم فقر در اسلام و عواقب فقر مادی تبیین شده است.

✽✽✽

فقر امکانی کائنات و ما سوی الله

غنا به معنای بی‌نیازی از صفات کمالی است

معارف Maarefkayhan@Kayhan.ir

خداوند دستیابی به رفاه و آسایش و امنیت غذایی را در ایمان به خدا و تقوای الهی و عبودیت می‌داند و می‌فرماید که اگر مردمان به حقیقت خدا و خود می‌رسیدند و باورهای خود را بر اساس آن حقیقت بازسازی می‌کردند و در چارچوب آن حقیقت حرکت و عمل می‌کردند، خداوند برکات آسمان و زمین را بر ایشان فرو می‌فرستاد تا از فقر مادی رهایی یابند.

آن را نمی‌توانم بگیرم و کارها به دست دیگری است؛ اگر بخواهد مرا عذاب کند و اگر نخواهد مرا عفو کند و از من بگذرد، پس کدام فقیری از من نیازمندتر است.(من لایحضر الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۹؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۹؛ بحرالانوار، ج ۷۶، ص ۱۵؛ امالی صدوق، مجلس ۸۹، حدیث ۳)

شاید چنین فخری افتخار انسان کامل یعنی پیامبر(ص) است؛ زیرا به مرتبهای از شهود رسیده که کسی چون ایشان به آن مرتبه نرسیده است؛ چرا که درک مراتب کامل‌تر فقر ذاتی بستگی به میزان شهود

حقیقت دارد که برای پیامبر(ص) در مقام

تدنی و تدلی در قباب قوسین او ادنی(نجم،

آیات ۸ و ۹) اتفاق افتاده است و ایشان حقیقت

هستی را بی‌هیچ کم و کاستی شهود کردند و از صمدانیت خداوندی و فقر خود چنان آگاه

مفهوم فقر در آموزه‌های دینی

و بی‌نیازی از هر کسی و هر چیزی به معنای استقلال کامل است. از جمله صفات خداوندی صمدیت است. صمد به معنای چیزی که تو خالی و اجوف نیستی، بلکه بر است و همه چیز را دربر گرفته است، به گونه‌ای که جای خالی باقی نمی‌گذارد تا چیز دیگری آن را پر کند. این صفت خداوند به معنای آن است که در هنتی چیزی جز خداوند نیست و به سبب آن که نام هستی و وجود می‌برد از شئونات الهی است. نتیجه این کلام این خواهد بود که آنچه که ما از آن به ما سوی الله تعبیر می‌کنیم، از شئونوات وجودی الهی است. پس اشیا، همه بخشی از هستی وجودی الهی خواهد بود و از نظر امکان وجودی شانی از شئونوات اوست.

به سخن دیگر، هستی با مصداق واجب الوجود است که همان خداوند است، با منتع الوجود است که بر اساس صمدیت خداوند معنا و مفهومی ندارد، یا ممکن الوجود است که در این صورت چیزی جز شانی از شئونوات الهی نخواهد بود. از نظر ذاتی هست و نیست و شئونوات الهی، به خداوند وابسته است و همه شئونوات الهی که به عنوان ممکن الوجود از آن یاد می‌شود، در وجود خویش وابسته به خداوند هستند. از این رو فقر وجودی، همه کائنات و ما سوی الله را در بر گرفته است.

فقیر کسی یا چیزی است که ستون فقرات ندارد تا به‌طور مستقل بتواند سرپا بایستد و ناچار به تکیه دادن به چیز دیگری است که عرش و پایه او را تشکیل می‌دهد تا بر آن استوار شود. حقیقت انسانی بلکه همه ما سوی الله همانند درخت انگور و پیچک‌ها است که نیازمند ستونی است که بدان تکیه کند تا قیام داشته باشد و بایستد. این ستون و عرش که ما سوی الله بدان تکیه می‌کنند، همان وجود الهی است که اگر نباشد، همه نیست و عدم هستند. خداوند در آیه ۱۵ سوره فاطر و ۳۸ سوره محمد خود را به غنا و دیگران را به فقر یعنی نیاز توصیف می‌کند. این بدان معناست که همه موجودات از فقر وجودی بی‌بهرمانند خداوند و بی‌نیاز هستند. حتی در جهان آخرت که

فقیر به معنای کسی که از ثروت و نعمت‌های مادی الهی بی‌بهره است یا کسی که نتواند هزینه یک سال خود را بالفعل یا بالقوه داشته باشد، انسانی است که گرفتار بی‌عدالتی است. بنابراین، مبارزه با بی‌عدالتی به معنای مبارزه با فسادی است که خلاف قوانین حاکم بر جهان و جامعه است. پیامد چنین مبارزه‌ای همان تحقق عدالت است.

حیات محض است(عنکبوت، آیه ۶۴) نمی‌توان از فقر ذاتی آن جهان سخن گفت؛ زیرا اگر غیر از خداوند در هستی، صمد غنی و بی‌نیاز دیگری باشد، در حقیقت هستی دارای دو خداوند خواهد بود که در تقابل خواهند بود و فساد و تباهی هستی را دربر می‌گرفت. (انبیاء، آیه ۲۲)

فقر وجودی، افتخار انسان کامل

پس همه هستی و ما سوی الله به صفت فقر وجودی متصف هستند و تنها خداوند صمد است که در هستی غنی بالذات است. درک این معنا در هستی شناختی به انسان کمک می‌کند تا در جهان بینی که مبتنی بر آن می‌سازد، حقیقت خود و خدا را در به درستی بشناسد و در مسیر درستی قرار گیرد و به فقر خود افتخار کند که وابسته به خداوند صمد و غنی است. به همین معنا شاید اشاره دارد پاسخی که امام حسین(ع) به پرسشگر خود می‌دهد. روایت است که: *سئِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ كَيْفَ اصْبَحْتَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَلِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردی؟ آن حضرت فرمودند: روزم را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غَيْرِي فَإِنَّ نَجْمَهُ يَدْعُنِي وَ أَنْ شَاءَ عَنِّي غَنِي فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ يُمَيِّ؟* از امام حسین(ع) سؤال شدای پسر پیامبر، چگونه روتز را شروع کردم در حالی که فرمودند: *بِیْ وَرَسُولِ اللَّهِ* (ص:۱۲۷) *اصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ فَوْقِي وَ النَّارُ أَمَامِي وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحَسَابُ يَجْرِدُنِي بِي وَ أَنَا تَرْهَبُنْ بِعَمَلِي، لِأَجِدُ مَا أَجِبُ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ وَ الْأَمْوُزُ بِيَدِ غ*